

## دیگران چه گفته‌اند؟

روزنامه هفت صبح: آن چه در «خون سرد» بیش از همه به چشم می‌آید، مشابهت ساختاری سریال به نمونه‌های خارجی است. حتی می‌توان این مسئله را در دیالوگ‌های سرگرد، متهم و وکیل او دید. در دنیای نمایشی می‌توان پذیرفت که وکیل متهم در برابر یک سرگرد، گردن کشی می‌کند و به شکل سریال‌های آمریکایی حرف می‌زند. در واقعیت اما نمی‌توان این مسئله را پذیرفت. باین حال آن چه «خون سرد» را در قسمت اول همراه کننده کرده، بازی خوب شهرام حقیقت دوست است. او شمایل یک سرگرد را به خوبی عیان کرده و توانسته مخاطب را با خود همراه کند. کار امیر آقایی سخت است به ویژه آن که می‌خواهد ایفاگر نقش یک دکتر مرزوم باشد. عجلان بازی او را قضاوت نمی‌کنیم و منتظر قسمت‌های بعد می‌مانیم. انتظار از بازیگر سخت‌گیری چون سارا رسول‌زاده بالاست و باید دید زمین بازی او در این سریال چقدر خواهد بود. سوسن سسیر جانی (دیجی کالا مگ): واقعیت این است که یکی از مشکلات اساسی این مجموعه ضعف شدید در شخصیت پردازی بازیگران مکمل است. شخصیت‌هایی که خرده روایت‌ها برعهده آن‌ها است و می‌توانند سر و شکل متفاوتی به یک اثر بدهند. اما هم داستان و هم کارگردانی، توجه ویژه‌ای به بازیگران اصلی داشته و سایر بازیگران و شخصیت پردازی مربوط به آن‌ها را فراموش کرده. همچنین از آن جایی که سایر بازیگران مکمل این سریال همه چهره‌های جدیدی هستند، بهتر است چند قسمت دیگر صبر کنیم شاید اتفاق بهتری افتاد.

## نظر عوامل

محمد مهدی عزیز محمدی (نویسنده): اسم اولیه سریال «اتورا» بود. در ابتدا ایده‌هایی داشتیم که قابل اجرا نبودند. در گفت‌وگوهای گروهی چند ایده را به موازات یکدیگر جلو بردیم تا کامل تر شد و «اتورا» متولد شد. به این که سریال جنایی یا محوریت قتل‌های سریالی داشته باشیم. از آن جا که به طور مرسوم، قاتلان سریالی زن‌ها را می‌کشند، مادر راستای ایجاد تفاوت و ادای دین به جامعه زنان در طوفان فکری گروهی که داشتیم تصمیم به خلق کاراکتر قاتلی که مردان بدکار را مجازات می‌کند گرفتیم. ورود ما به ژانر جنایی بدون آمادگی اولیه بود که بعدها متوجه اثرات بیشتر آن شدیم. وقتی وارد این فضا می‌شوی سندروم‌های روانی به سراغ خودت هم می‌آید، تقریباً می‌توانم بگویم اکنون اطلس جامعی از تمام اتفاقات جنایی هستیم. همه پادکست‌ها، مستندها، فیلم و سریال‌ها را در این زمینه دیده و شنیده‌ام، حتی سایت‌هایی مانند مردر پدیا که اطلاعات و زندگینامه قاتل‌های سریالی است و کتاب‌های جرم‌شناسی را زیر و رو کردم. گویی خودم یک پا کار آگاه شده‌ام. من در لحظه ورود از آسیب‌های روانی و عوارض پنهان آگاه نبودم. سندرومی که از آن صحبت می‌کنم به این گونه است که وقتی شما درباره قاتل‌های سریالی مطالعه می‌کنید، در ابتدا متوجه می‌شوید برخی ویژگی‌های پایه رفتاری آن‌ها در شما هم موجود است و ممکن است شما را هم به همین سمت ببرد و من آماده این مسئله نبودم. به همین دلیل در اوایل یک بازه کوتاه پنیک‌اتک را پشت سر گذاشتم اما کم‌کم آبدیده و آرام و حتی غرق در لذت شدم. طوری که بسیاری از زخم‌های درونی خودم درمان شد. از سوی دیگر نوشتن با حجم زیادی از لوکیشن و کاراکتر بسیار سخت بود و ما از متد جدید «کاراکتر لاین استوری» برای خودمان استفاده کردیم تا آسان‌تر در این مسیر جلو برویم. بدون شک مدل نوشتن ما مدل جدید و مدرنی بود که در ایران و بین فیلمنامه‌نویسان ایرانی مرسوم نیست. همین اتفاق باعث شد تا انسجام کار و خط داستانی کاراکترها بسیار دقیق و منظم باشد و حق همه شخصیت‌ها به درستی ادا شود و شخصیت‌ها گم نشوند.

## چهره شاخص

به دلیل جسارت در انتخاب موضوع به زعم نگارنده گروه نویسندگان را می‌توان به عنوان چهره شاخص این اثر دانست.



## گناهکاران در مسلخ

## خون سرد (امیر حسین ترابی)

سریال «خون سرد» در ژانر جنایی به کارگردانی امیر حسین ترابی و تهیه‌کنندگی بهمن کامیار محصول شبکه اینترنتی فیلم‌نت است که بخش خود را از ۲۸ مردادماه آغاز کرده است. شهرام حقیقت دوست، امیر آقایی، سارا بهرامی، سارا رسول‌زاده، امیررضا دلآوری و لیندا کیانی از مهم‌ترین بازیگران سریال محسوب می‌شوند. سرگرد امیر علی طلوعی (شهرام حقیقت دوست) در حال پیگیری پرونده گروهی از قاچاقچیان اعضای بدن است که به اسم امیر شهسواری (امیررضا دلآوری) می‌رسد و در این مسیر از دوستش دکتر کسری کیا (امیر آقایی) که در پزشکی قانونی کار می‌کند کمک می‌گیرد و این در حالی است که دکتر کیا روش خاص خود را برای برخورد با جنایت‌کاران دارد.

## نظر شخصی

«خون سرد» را انگار دو گروه کاملاً مجزا ساخته‌اند: فیلمنامه‌اش را دو گروه متفاوت نوشته‌اند و کارگردانی‌اش را هم دو گروه مختلف به عهده داشته‌اند. دلیل این ادعا اختلاف سطح بخش‌های مختلف سریال است. مثلاً باور کردنی نیست که صحنه‌های قابل قبولی مثل لحظه خودکشی لیندا کیانی و افتتاحیه کلیشه‌ای فیلم در ترکیه را یک نفر کارگردانی کرده باشد. یا در خصوص فیلم‌نامه قبولان این نکته به خود که نکات ظریف شخصیت پردازانه سرگرد را همان گروهی نوشته باشند که صحنه‌های مربوط به اسیدپاشی را نوشته‌اند. در این باره باید گفت چطور ممکن است شخصی که پیشه‌اش شیدای و اسیدپاشی است به این سادگی خام دیگری شود، سوار ماشین‌اش کند و جان‌اش را از دست بدهد؟ یا این حال در مجموع «خون سرد» نوید یک «دکستر» ایرانی را می‌دهد منتهی با دقتی پایین و وسواسی کمتر. در آن جا قاتل سریالی سعی می‌کرد هیچ نشانه‌ای از خود باقی نگذارد اما دکتر در این جا بعضی احتیاط عمل می‌کند و اگر سریال بخواهد در پایان به این نتیجه برسد که پلیس سختی فراوانی در دستگیری او متحمل می‌شود نیاز است بر وسواس و هوش کاراکتر بیافزاید. البته تمام این‌ها به این معنی نیست که با یک اثر ضعیف طرفیم. «خون سرد» به خوبی می‌تواند مخاطب را سرگرم کند، روی جراحی‌های کاراکترها تأکید می‌کند و هدف‌اش باورپذیر کردن آن‌هاست. در امر نور و رنگ نیز چیزی کم نمی‌گذارد. بازی بازیگرانی هم چون حقیقت دوست و امیر آقایی نیز اندازه و خوب است.